

## با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

چهارشنبه سی دی شصت

استاد مسعود ریاضی

### چگونه رفتار کنیم

عرفان برای حسن سلوک است، عرفان برای این است که شخصیت واقعی انسان را نشان بدهد. منطق ما اینست: دو نفر که با هم دعوا می کنند، هر دو نفر مقصر هستند و اگر یکی از آنها وحدتی بود، مسلماً طرف دیگر تقصیری ندارد، بلکه فرد وحدتی در این میان گناهکار است، دو عاقل هیچگاه دعوا نمی کنند، یک عاقل و یک دیوانه نیز دعوایی ندارند، زیرا عاقل درد را پیدا می کند و درمان می نماید و در پی رفع علت است، نه اینکه معلول را سرکوب نماید. پس همیشه دو فرد جاهل با هم نزاع می کنند.

پرتوجویان می توانند در مورد حالات و رفتار خود گزارش کتبی به مکتب ارائه دهند. این نشان می دهد که برای ساختن و اصلاح خود سعی و کوشش می کنند. وقتی نتوانید به مکتب خود که دوست و راهنمای شماست مطلبی را بگویید، زمانی که پرده از کارها کنار برود و پرونده شما مثل فیلم نمایش داده شود، چه خواهید کرد؟

بدانید که کار ما تسلیم است، در مقابل هر اندیشه و تفکر وحدتی، آنچه از شما می خواهند هیچگاه "نه" نگویید، بلکه همیشه بگویید "چشم" اگر مقدر باشد که انجام می شود وگرنه چرا شما طرف مقابل خود را ناراحت کرده و به اصطلاح، قبل از اینکه معلوم شود چه خواهد شد، اعصاب او را خرد کنید.

پس برای برقراری آرامش در خانه و خانواده هیچ فرمولی بهتر از تسلیم نیست. هرکس که خود را وحدتی می داند، وظیفه سنگینی بر عهده دارد و می بایست بت خانواده اش باشد. بدانید که در وحدت قهر کفر است و رنجیدن معنایی ندارد. بقول حافظ:

قفا خوریم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافر است رنجیدن

ما می گوئیم خداوند همه امور را مقدر فرموده است، ولی زمانی که فردی عضویت مکتب روحی (شرایط این عضویت در مقالات دیگر تا حدودی ارائه گردیده. [مصحح](#)) را پذیرفت، جبر را پشت سر گذاشته است و می تواند به دعا بنشیند و بگوید که خدایا تو می توانی تقدیر را تغییر بدهی، اگر مقدر است که مادرم برنجد، این رنجش از طرف من نباشد.

مرشد عباس رباعی (یکی از پانزده مرشدی که استاد پیش از آقای دولتشاهی داشته. [مصحح](#)) گاهی می گفت: الهی وظیفه ای را که به شمر دادی، به من واگذار مکن. این صحیح نیست که با قبول مسئله جبر دیگر خود را مسئول ندانید، بشر نمی تواند پرونده جهل خود را با کلمه "جبر" باطل سازد و بپوشاند. پس می شود از خدا خواست و خود را خوب و نیک ساخت و کسی که برای تطهیر اخلاقی تعهد می دهد، باید مرتباً دعا کند که الهی مردم به من تذکر دهند و همیشه از روی خلوص نیت و حقیقت به خطاهای خود معترف باشد و از تظاهر و ریا در این امر بپرهیزد. شما که در این راه خطیر گام نهاده اید و خدا نیز در سرنوشت شما چنین مقدر فرموده، که افراد خانوادتان با شما همگام باشند، باید قدر این نعمت را بدانید و بدانید اگر آدمی خودخواه و مغرور نباشد و یادش نرود که تذکردهنده مامور خداست، به این نتیجه می رسد که هیچ مسئله ای در دنیا موجب عصبانیت و درگیری نیست.

پرتوجویان باید از آئین جوانمردی، وفا و دین حقیقت و صفا که روح راستیها و عصاره همه ادیان و مذاهب زمین است، به خوبی باخبر باشید. می دانید که دین به جز محبت پاک، عشق و وفا، راست گفتن و راست بودن نیست، لذا به حکم اصول محکم جوانمردی و وفا به حفظ اسرار دوستان باصفا و پرهیز از خیانت و خطا و رعایت آداب تطهیر و تقوی کوشا باشید، پیمان شکن نبوده و از بی وفایی و ناسپاسی نفرت داشته باشید.

بدانید که شرط اصلی رهروی و سلوک حق اطاعت و تسلیم است، اطاعت و تسلیم از عشق و ایمان محکم و راستین سرچشمه می گیرد، آن کس که عاشق نیست تعهدی نخواهد داشت، پس در این پیام مخاطب من عاشقان وحدت هستند، نه هر بولهوسی که ادعای عشق و عاشقی کند و هر کس را چنین سعادت نیست که مخاطب به خطاب الهی باشد.

اگر بخواهید در راه وحدت که پیروی از اصول انسانی و نهاد پاک علوی شماست، توفیق پیدا کنید باید چهره ضمیر باطن را در آینه جمال استاد خویش ببینید و خود را بشناسید و به قلب و روح و باطن و فواد و صدر و سر و سویدای وجود خود دست یابید، تا با حق باشید و بر حق باشید. خودشناسی و دست یافتن به سیمرغ قاف عشق، باطن نهانی خداگونه شدن است (متصف به صفات الله گشتن و ذات خویش دیدن و از ذات حق پیام گرفتن و ذاتا گفتن و ذاتا عمل کردن است).

به این حقیقت آگاه هستید که می خواهید رهروی کنید؟ می خواهید از کانال روشن پریسپری و روح خود به قلب تابناک پرتوبخش مکتب و پس از آن به نهاد درخشان و با عظمت رهنمون نیروی قدرت و عظمت، سرالاسرار و نورالانوار و غیب الغیوب و قدرت و عظمت کبریایی حق واصل گردید، تا پرده اوهام و شکوک و خرافات پاره گردد و جمال بی مثال جانتان جلوه نماید. این رهروی همان عشق حق و وصال حق است.

### راستی چه باید کرد؟

قدم اول، متدین بودن به یکی از ادیان الهی و اعتقاد به وحدت ادیان و ایمان به غیب و ابدیت و ذات بینهایت.

قدم دوم، خودشناسی که نتیجه حتمی آن خداشناسی و معرفت الله است.

قدم سوم، دیدن و پرستیدن ذات، از طریق عشق ورزی به استاد و پرتوبخش و رهنمون. راه دیدن نقطه توحید و وحدت، پرستش حق است (یکتاپرستی) تا از طریق عشق و پرستش، از خود بی خود شوید، در معشوق و معبود ادغام و حل گردید و به سرمنزل بینایی و روشنایی باطن برسید، عشق برای شما راه است و رهنما.

### از کجا شروع کنیم؟

اصول عقاید حقه ادیان الهی در حکمت نوین با فلسفه ها و دانش زمان تطبیق و تلفیق شده است، پس حکمت نوین را به صورت علم الیقین از راه مطالعه و تحقیق و تعلیم استاد فرا گیرید و به حافظه و بایگانی جان خود بسپارید.

قبول تعلیم از استادان پرتوگاه و تلقین پذیری از پرتوبخش و تمرکز فکری و دقت و موشکافی در اصول تعالیم، حتی در کلمات آن تا سرحد یقین نظری و فکری (علم الیقین). مؤید این عقیده و روش، یعنی تقویت علم الیقین و فهم حکمت نوین و پیروی و اصرار در فراگیری و ازدیاد عطش و اشتها برای کسب معرفت، مقدمه ای برای رسیدن به مرتبه عین الیقین خواهد بود.

به این مقام خواهید رسید، به شرط آنکه قالب راستین طلب و اشتیاق وافر و عطش شدید، شما را به سوی مغناطیس روحی استاد جلب و جذب نماید، تا آنچه خوانده اید و شنیده اید به گوش جان نیز بشنوید و به دیدگان روان خود مصور و مجسم ببینید، که این استعداد کم و بیش در نهاد شما هست، بقول مولانا سید احمد هاتف اصفهانی در ترجیع بند وحدتی معروف خود:

چشم دل بازکن که جان بینی	آنچه نادیدنی ست آن بینی
گر به اقلیم عشق روی آری	همه آفاق گلستان بینی
بر همه اهل آن زمین به مراد	گردش دور آسمان بینی
آنچه بینی دلت همان خواهد	و آنچه خواهد دلت همان بینی
بی سر و پا گدای آنجارا	پای بر فرق فرقدان بینی
هم در آن سر برهنه قومی را	بر سر از عرش سایبان بینی
گاه وجد و سماع هر یک را	بر دو کون آستین فشان بینی
دل هر ذره را که بشکافی	آفتابیش در میان بینی
هرچه داری اگر به عشق دهی	کافر گر جوی زیان بینی
جان گدازی اگر به آتش عشق	عشق را کیمیای جان بینی
از مضیق حیات در گذری	وسعت ملک لا مکان بینی
آنچه نشنیده گوشت آن شنوی	و آنچه نادیده چشمت آن بینی
تا به جایی رساندت که یکی	از جهان و جهانیان بینی

با یکی عشق ورز از دل و جان      تا با عین الیقین عیان بینی  
که یکی هست و هیچ نیست جز او  
وحده هو لا اله الا هو

پس رسیدن به مقام عین الیقین و دیدن جمال حق و جان جان خود، راهی جز عشق ورزیدن به یکی و پرستیدن یکی وجود ندارد، و این همان طریق وصال حق و رسیدن به مقام وحدت است.

با یکی عشق ورز از دل و جان      تا به عین الیقین عیان بینی  
که یکی هست و هیچ نیست جز او      وحده هو لا اله الا هو

اگر می خواهید قدم در راه بگذارید، ارزش وحدت و حکمت نوین را به خوبی دانسته و بدانید که رمز موفقیت در دوستی و رهروی راه حق، حفظ حیثیت خود و همگامان و راز نگهداری می باشد، درسها را مرور کنید و به حافظه بسپارید، روی مسائل و حقایق حکمت نوین دقت و تفکر کنید، پرسشهای خود را یادداشت کنید و در فرصت مقتضی مطرح کنید.

امید است که با عشق و ایمان قدم بردارید تا کامروا شوید، هرکس این تذکرات را رعایت نکند، خود را پرتوجوی وحدت نداند و به راستی بداند که برای رهروی خودآگاه در راه حق آمادگی ندارد. امید است بین خواهران و برادران وحدتی، آدم سهل انگار و مردد و هرزه گرد و تنوع طلب و بی ثبات و هرجایی و پیمان شکن و بی وفا نداشته باشیم، از یزدان می خواهیم که چنین فردی ما را همراهی ننماید، آمین.